

کتابه لاصول



مقدمه

پاور 1

متن

خاتمه

- فصل اول: ماده امر (2)
- صحت اول موضوع له صیغه امر (4)
- صحت دوم موضع صیغه امر بر وجوب (3)
- صحت سوم جمله خبریه در مقام طلب (6)
- صحت چهارم ظهور در وجوب (4)
- صحت پنجم تعدی و توصیلی (2)

صحت ششم مفقوسی اطلاق صیغه در نوع وجوب

انطلاق صیغه امر بر وجوب نفسی همیشه منتهی را ثابت می کند زیرا اطلاق می گوید این فعل واجب است چه چیز دیگری واجب باشد و چه نباشد (فعلی غیر بودن وجوب) چه فعل دیگری بیاورد و چه نیارد (فعلی اخباری بودن) و چه شخص دیگری این فعل را بیاورد چه نیارد (فعلی تکلیفی بودن)

صحت هفتم امر عقیب حظیر یا توهم

امر عقیب حظیر یا توهم حظیر بنابر قول مشهور ظهور در ایضا دارد پس عامه می گویند ظهور در وجوب دارد و معنی می گویند شایع حکم فعل از جهت استیفاء در مقابل که امر معنی بر وزن است نهی باشد مثل «لا خلتوا قاصطناء»

فصل دوم: صیغه امر

نه ماده صیغه امر و نه هیئت آن، دال بر امر (یکبار اثنان کرم) یا تکرار ندارد بلکه دال بر «طلب ایجاد طبیعت» مضمونه می کند و اینکه یکبار اثنان کافیه است به خاطر دال بر امر بودن است بلکه بخاطر این است که طبیعت یا یک فرد هم محقق می شود

صاحب فصول اجماعی است که معاصر فقط دالات بر ماهیت می کند و با توجه به اینکه مشتقات (مثل صیغه امر) از مصدر گرفته شده اند پس ماده صیغه امر اجماعاً دالات بر غیر ماهیت ندارد لذا راجح فقط در هیئت صیغه امر است نه ماده صیغه امر

آخوند مصدر، ماده سایر مشتقات نیست بلکه مصدر یک صیغه مثل ماضی صیغه های مشتق است و قبلا هم در بحث مشتق گفتیم که مشتق و مبتدا (مصدر) در مفهوم می آیند

صحت هشتم: مره و تکرار

سوال: آیا مراد از مره و تکرار دفعه و دفعات (مثل چند بار متع) است یا فرد و افراد (مثل متی چند عدد در یک دفعه معنی)؟

آخوند: هر دو محل تراخ است هر چند مره و تکرار ظهور در دفعات دارد

استحکال: اگر مراد از مره و تکرار فرد و افراد باشد بحث باید در نفس سهگانه فعلی امر به طبیعت یا فرد مطرح شود (چرا که بنابر تعلق امر به طبیعت، فرد و افراد معنا ندارد) پس منظور اصولیون فقط دفعه و دفعات است

صحت نهم: غیر و تراخی

تنبیه

- فصل سوم: اجزاء (10)
- فصل چهارم: مقدمه واجب (4)
- فصل پنجم: مسأله ضد (5)
- فصل ششم: امر به شئ یا علم به اتفاق شرط آن (6)
- فصل هفتم: متعلق اُمر و امر (1)
- فصل هشتم: نسخ وجوب (8)
- فصل نهم: واجب اخباری (20)
- فصل دهم: واجب تکلیفی (2)
- فصل یازدهم: واجب بوقت و موضع (15)
- فصل دوازدهم: امر به امر (6)
- فصل سیزدهم: امر بعد از امر (3)

- پواهی 2
- مفاهیم 3
- علم و خاص 4
- مطلق و مفید 5
- امرات 6
- اصول عملیه 7
- تعلاتی اندک 8

استحکال: پس اینکه می گویند مصدر اصل در کلام است یعنی چه؟

اولاً این مطلب اختلافی است چرا که کوهیون می گویند اصل در کلام فعل است

ثانیاً منظور این است که «لحجه اول وضع شده است و بقیه صیغه ها (تر مواد و هیئات) متناسب با او وضع شده اند» مصدر می باشد یعنی مصدر و بقیه صیغه ها هر کدام لغظاً و بنابر ماده معیار (نهم) مشرکند

آخوند

آخوند بنابر قول به تعلق امر به طبیعت در دالات بر فرد و افراد مطرح می شود زیرا منظور، طبیعت به اعتبار وجود خارجیش می باشد زیرا طبیعت به معنی فعلی تعلق امر نیست پس منظور از افراد طبیعت وجودات متعدد این طبیعت است و چون وجود در خارج محقق می شود به آن فرد گفته می شود یا این تفاوت که در تعلق امر به فرد، خصوصیات عموم مضمونه است و در تعلق امر به طبیعت خصوصیات دخلی در مضمونه نیست